انترناسیونال

حزب کمونیست کارگری ایران

شماره 824

جمعه 21 تیر 1398، 12 ژوئیه 2019

هفته ای که گذشت آینه ای از فضای پر تلاطم جامعه بود

شهلا دانشفر

جنبش کارگری و کل جامعه ایران روزهای پر تلاطم و تحولسازی را پشت سر میگذارد. بمیدان آمدن مردم با کارزارهای مبارزاتی شان و به صف شدن اکتیویست های اجتماعی در راس این کارزار ها و تاکید بر خواستهای سراسری مشخصه های بارز این فضاست. بویژه در این اعتراضات برافراشتن پرچم نه به فاصله عظیم طبقاتی و سر دادن فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" به امری عادی تبدیل شده است. کارگران و مردم به این نحو کل بساط سرمایه داری حاکم را به چاش میکشند. بعلاوه، در بطن این مبارزات، جلو آمدن خواستها و شعارهایی چون "رفاه عمومی حق مسلم ماست"، "درمان رایگان برای همه مردم"، "تحصیل رایگان برای همه کودکان"، "نه به اعدام"، "نه به حجاب و تفکیک جنسیتی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "تشکل، تجمع، تحزب حق مسلم ماست"، "پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات"، "علنی شدن دادگاهها با حضور هیات منصفه"، "نه به زندان و شکنجه" تصویری از آلترناتیو مردم برای جامعه آینده آنهم به شکل اداره شورایی است. اینها همه نشانه هایی از روند انقلابی جنبش سرنگونی در سطح جامعه است. همانطور که بارها تاکید کرده ایم چپ و رادیکالیسم مبارزات مردم را رقم میزند و بطور واقعی جامعه دارد سوسیالیسم را در کف خیابان فریاد میزند.

در برابر این اتفاقات شورانگیز جمهوری اسلامی بر سرکوبگری هایش شدت بخشیده است. کارگر را دستگیرو زندانی میکند و برای عقب زدن او و جامعه بساط مسخره "طراحی سوخته " به راه می اندازد. احکام شلاق و زندان را به رخ جامعه میکشد و معلم را به

ادامه در صفحه ۵

اطلاعیه ها صفحه ۸ تا ۱۲

در مورد مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

گفتگوی تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

صفحه ۲

وضعیت فعالین بازداشت شده و واکنش سازمان عفو بین الملل (امنستی)

برای آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین جنبشهای اعتراضی باید وسیعا تلاش کرد

شیرین شمس

صفحه ۷

سلاطین مسکن

کاظم نیکخواه

صفحه ۶

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ا یران :

*** حملات توپخانه ای و هوایی نیروهای سرکوبگر سپاه به مردم غیره نظامی و مقرات نیروهای اپوزیسیون در خاک اقلیم کردستان را محکوم میکنیم!**

*** توطئه جمهوری اسلامی و احزاب ناسیونالیست علیه جنبش سرنگونی را ناکام میکنیم!**

صفحه ۹

بنیان گذاران حکومت اسلامی باید محاکمه شوند !

گزارشی از اعتراض به سخنرانی عبدالکریم سروش در دانشگاه تورنتو

حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات کانادا

صفحه ۱۰

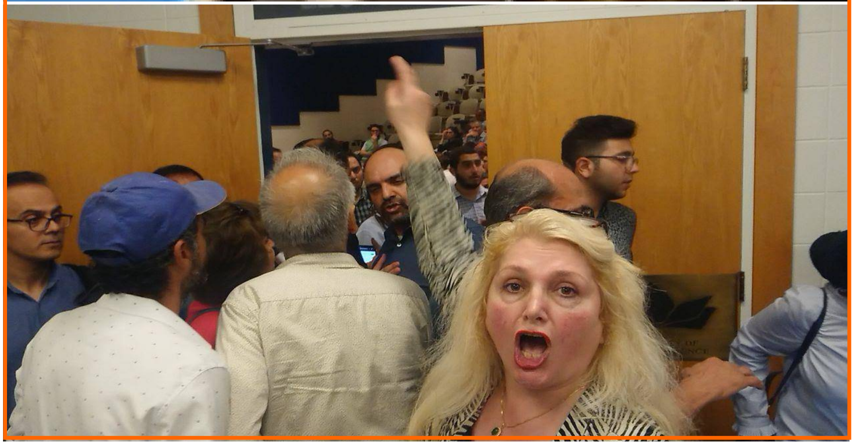

در مورد مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

گفتگوی تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

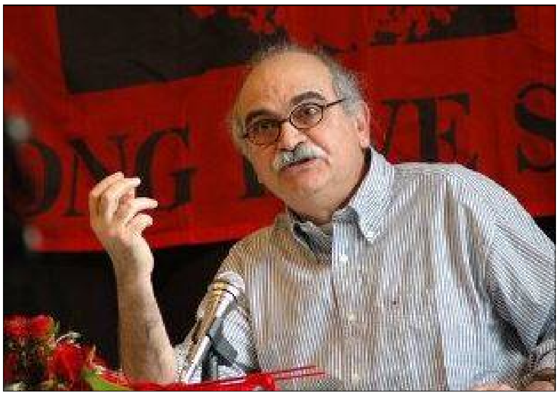

کیوان جاوید: اخیرا افشا شد که چهار جریان ناسیونالیست در کردستان ایران با جمهوری اسلامی نشست و مذاکره داشته اند و به مدت یک سال و نیم این ماجرا ادامه داشته است. دو حزب کردستان یعنی "حزب دموکرات کردستان" و "حزب دموکرات کردستان ایران" و دو سازمان زحمتکشان وابسته به عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده با جمهوری اسلامی مذاکره داشته اند. بعلاوه در همین رابطه کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران هم اظهار نظر کرده و معلوم شده است که این سازمان هم از همان ابتدا از ماجرا با خبر بوده و آن نهادی که واسط مذاکرات در اسلو پایتخت نروژ با سازمانهای فوق بوده با کومه له هم تماس گرفته و کومه له با آنها مذاکره داشته است. اما بدون قبول شرط و شروط قبول نکرده است که با جمهوری اسلامی وارد مذاکره شود. در رابطه با کل این ماجرا و اینکه چه اتفاقی افتاد و حزب کمونیست کارگری در مورد این موضوع چه میگوید با حمید تقوایی گفتگویی داریم. حمید تقوایی خوش آمدید

حمید تقوایی: تشکر میکنم

کیوان جاوید: حمید تقوایی ماجرای این مذاکره و نشست و توافقات چهار جریان سیاسی با جمهوری اسلامی چیست؟

حمید تقوایی: این یک شیوه همیشگی و سنتی احزاب ناسیونالیستی کرد بوده است که با دولتها مذاکره کنند، امتیازاتی بدهند و بگیرند و سازشهایی بکنند. دلیلش اینست که این جریانات امرشان را اساسا از این طریق به پیش می برند. اینکه جامعه در چه وضعیتی است، مردم چه می‌گویند و آن حکومتی که با آن مذاکره می‌کنند تا چه حد تحت فشار مردم است و تا چه حد به اصطلاح تیغ بروی مردم کشیده و جامعه چه فکری می کند، اینها در محاسبات آن‌ها جایی ندارد. دیپلماسی و بند و بست و سازش و توافقات از بالا تمام آن چیزی است که برای آنها اهمیت و اولویت دارد. خودشان همیشه اینطور فرموله می‌کنند که در شکافهای منطقه ای باید راهی به جلو باز کرد. منظورشان از شکافهای منطقه ای شکاف بین دولتهاست, چون احزاب کرد در "چهار پارچه" تقسیم شده‌اند و هر کدام از آن‌ها به دولت دیگری دخیل می‌بندند که بتواند امرش را پیش ببرد. اینجا احزاب ناسیونالیست کرد در ایران باز دوباره دارند باب مذاکره را با جموری اسلامی باز می‌کنند. میگویم "دوباره" چون چند بار این کار را کرده اند. منتها این بار فرقش این است که جامعه واقعا در تب و تاب بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است. بخصوص در شهرهای کردستان و همچنین در شهرهای دیگر ایران ما الان بیش از دو سال است که شاهد سربلند کردن اعتراضات توده‌ای و سراسری در جنبش کارگری، زنان، جوانان، بازنشستگان، معلمان علیه جمهوری اسلامی و علیه تخریب محیط زیست و عرصه های مختلف هستیم. این درجه از اعتراضات علیه کلیت جمهوری اسلامی، یعنی سر بلند کردن مردمی که علیه هردو جناح جمهوری اسلامی شعار میدهند در این دوره بی سابقه بوده است.

حتی در دل این تنش جنگی اخیرا در چندین شهر مردم با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به خیابان آمدند. جامعه کردستان بسیار گسترده در مقابل سیاست‌ها و عملکردهای جمهوری اسلامی و نیروهایی که با آن سازش کرده‌اند ایستاده است.

پای میز مذاکره رفتن با جمهوری اسلامی و نشست و برخاست با این حکومت بویژه در چنین شرایطی اقدامی مستقیما علیه مردم است و نهایت راست روی و سازشکاری با حکومتی است که تحت چنین فشاری از جانب مردم قرار گرفته است. احزاب ناسیونالیست کرد دارند به سنت همیشگی خودشان عمل می‌کنند. با این فرق که امروز و در شرایط کنونی این حرکت بسیار ارتجاعی تر و عقب‌مانده تر است و کاملاخاک پاشیدن در چشم مردمی است که بلند شده‌اند برای اینکه این حکومت را بزیر بکشند.

کیوان جاوید: افشا شدن این مساله چه اهمیتی دارد و جایگاهش چیست؟

حمید تقوایی: اینهم رویه همیشگی این گروههاست. مذاکرات پنهانی بدور از چشم مردم در واقع دیگر مذاکره نیست. سازش و ساخت و پاخت و بند و بست است. مذاکره به معنی یک نشست سیاسی و دیپلماتیک است که علی القاعده همه از آن خبر دارند. اگر قبلش هم نگویند بعد از آن احزاب اطلاعیه مطبوعاتی می‌دهند و اعلام می‌کنند که چنین مذاکره ای بوده است و این‌ها بحث شده و این توافقات شده و این توافقات نشده است. ولی جریانات ناسیونالیست این سنت را ندارند. در سیاست احزاب ناسیونالیستی همه چیز باید بدور از چشم مردم انجام شود. مردم جایی ندارند و آخرین فاکتوری هستند که به حساب می آیند. یعنی در واقع این احزاب مخفیانه مشغول کار خودشان بوده اند و بعد از مدتی افشا شده است. وقتی هم که افشا شد یک هفته سکوت بود و بالاخره گفتند که بله چنین مذاکره ای صورت گرفته است. درحالیکه مدتها است که مشغول چنین کاری هستند. این هم جزئی از سنت ناسیونالیسم است.

کیوان جاوید: اما ضعف جمهوری اسلامی مانع نمی‌شود که بشود با آن مذاکره کرد؟

حمید تقوایی: ضعف دشمن یک فاکتور است. فاکتور دیگر قدرت شماست. شما باید چنان نیرویی را در خیابان به اصطلاح در بطن جامعه داشته باشید که بتوانید شرایطتان را تحمیل کنید. بتوانید واقعاآن اهدافی که دارید را به آن برسید. اینجا بحث بر سر یک تصمیم سیاسی مشخص در یک شرایط مشخص است. امروز می‌بینیم جمهوری اسلامی از هر طرف تحت فشار است و این تحت فشار بودن به این معنا است که مردم هیچ نقطه سازشی، هیچ نقطه توافقی با آن حکومت ندارند. و آن احزاب رادیکالی که واقعا خواست توده مردم، آمال توده مردم را نمایندگی می‌کنند آن‌ها هم نمی‌توانند هیچ نقطه سازشی با این حکومت داشته باشند.

اگر کسی قرار است برود با جمهوری اسلامی مذاکره کند و اگر به مردم ربطی داشته باشد باید در آن مذاکره به حکومت بگوید شما همگی باید به فنا بروید. بروید پی کارتان. باید بگوید آن جامعه علیه شما بلند شده است در کردستان و در همه شهرهای ایران. و اگر بفرض از جانب مردم کردستان صحبت میکند باید بگوید این حکومت باید از کردستان بیرون برود و نیروهای جنایتکارش را بیرون بکشد. باید بگوید تمام مقامات حکومتی در کردستان باید استعفا بدهند.

در شرایطی که فرض کنید شوراهای مردمی تشکیل شده‌اند مثل سال ۵۷ مردم جلو آمده بودند و "بنکه های زحمتکشان" را که نوعی شوراهای مستقیم مردمی بودند درست کرده بودند اگر کسی میخواست مذاکره کند باید میگفت از کردستان بیرون بروید و بگذارید مردم اوضاع را بدست خودشان بگیرند. هرکس که می‌خواهد مذاکره کند باید این را بگوید

ادامه در صفحه ۳

از صفحه ۲

در مورد مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

چون حکومتی که آفتاب عمرش لب بام است دیگر هر نوع سازشی با آن بالاخره به نفع آن حکومت و به زیان مردم تمام می‌شود چون بالاخره فکر می‌کند بخشی از آن نیروهای مخالف خودم را فعلاساکت کرده‌ام. حاشیه‌ای کرده ام، کنار زده‌ام و بروم بقیه را بکوبم. این نتیجه را از آن می گیرد. یعنی در این شرایط هر نوع مذاکره و سازش با حکومت بنفع حکومت است.

کیوان جاوید: هدف رژیم چیست؟

حمید تقوایی: جمهوری اسلامی هیچ امتیازی به کسی نخواهد داد. این روشن است. فکر می‌کنم همین احزابی هم که با آن‌ها مذاکره می‌کنند این را می دانند. ممکن است به این یا آن حزب معین که مذاکره میکند یک امتیازات و تسهیلات کوچکی بدهد و غیره ولی هیچ نوع امتیازی که کوچکترین نفعی به حال مردم داشته باشد در جهت باز شدن فضای سیاسی مثلا کاهش فشارها به مردم، خلاصی از فقر و فلاکتی که جامعه به آن دچار شده است و در رابطه با حقوق زنان و امثال اینها، حتی تخفیف سایه سیاه اسلام بر زندگی مردم در این جهت ها جمهوری اسلامی یک میلیمتر هم کوتاه نخواهد آمد. هدفش چیست؟ هدفش این است که بخواهد بعضی از نیروهای اپوزیسیون را تبدیل کند به یک نوع اپوزیسیون دو خردادی که آن‌ها هم با رژیم دعوای محوری ندارند. دارند مذاکره می‌کنند، شبکه ای دارند و سر میز نشسته اند و بحث می‌کنند. حکومت بخصوص میخواهد این احزاب تا آنجایی که پایگاهی در جامعه دارند به آن پایگاههایش هم بگوید شما هم ساکت شوید و بروید در خانه بنشینید. منتظر باشید ببینیم این مذاکرات به کجا خواهد کشید. هدف جمهوری اسلامی یک مانوری است یک تاکتیکی است برای اینکه به این ترتیب احزاب اپوزیسیون را از سرنگونی طلبی بیرون بیاورد و تبدیلشان کند به احزابی که مثل دو خرداد یک خواستها و مطالباتی دارند و با رژیم در حال مذاکره اند. به این ترتیب می‌خواهم بگویم نفس مذاکره مستقل از اینکه چه از آن بیرون میاید به نفع حکومت عمل می کند.

کیوان جاوید: اینجا میخواهم در مورد کومله یعنی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و شخص ابراهیم علی زاده سوال کنم. کومله میگوید از نظر اصولی با نفس مذاکره مشکلی نداریم. خب ایراد این چیست؟ مگر سال ۵۸ کومله و دیگر احزاب با جمهوری اسلامی ننشستند و مذاکره کردند؟ آیا این ادامه همان راه و خط نیست که کومله اکنون دنبال میکند؟

حمید تقوایی: شرایط امروز با سال ۵۸ اساسا متفاوت است. اینجا بحث بر سر اصول نیست. هیچ‌کس نمی‌گوید علی الاصول نمی‌شود با کسی مذاکره کرد. بحث سر شرایط سیاسی معین و اقدام معینی است. این مقایسه با سال ۵۸ خیلی جالب است. الان جمهوری اسلامی حکم حکومت شاه در آن دوره را دارد. ۴۰ سال است زده و کوبیده و کشته و بسته و حکومت کرده و به جامعه خون پاشیده است. اگر در آن دوره نیرویی بود و می‌رفت با حکومت شاه مذاکره می‌کرد خوب شما به او چه می گفتید؟ فرضااگر در سال ۵۶ در نیمه اول سال ۵۷ یا قبل از قیام، وقتی هنوز حکومت شاه سر کار بود و خیزش انقلابی ای در جامعه ایران شروع شده بود، احزابی می‌رفتند و با حکومت شاه مذاکره می کردند روشن است که کاملا داشتند در مقابل مردم عمل می کردند. کومله در آن موقع با جمهوری اسلامی مذاکره کرد. جمهوری اسلامی ای که تازه روی کار آمده بود. حکومت شاه ساقط شده بود و توهم زیادی در جامعه ایران وجود داشت. ولی کردستان از جمله به لطف فعالیت‌های کومله در آن زمان مسلحانه در برابر قدرت مرکزی ایستاده بود. جمهوری اسلامی را بعنوان نماینده انقلاب قبول نکرده بود. در آن شرایط کومله از موضع قدرت به پای میز مذاکره رفت و تازه خیلی زود میز مذاکره را هم ترک کردند و بیرون آمدند. کومله فقط این کار را هم نکرد. کوچ مریوان را سازمان داد. "بنکه ها" یا شوراهای زحمتکشان در سنندج را سازمان داده بود. نیروهای مسلح توده ای را سازمان داده بود. نیروهای اسلامی شبیه به رزگاری را خلع سلاح کرده بود. این فعالیت‌ها بود که پشتوانه مذاکره کومله بود. تازه نه با حکومت شاه بلکه با یک نیرویی که به عنوان انقلاب آمده بود و می‌خواست مردم را در هم بکوبد. الان نه کومله نه جمهوری اسلامی در آن موقعیت نیستند. جمهوری اسلامی الان پوزیسیون است و چهل سال است زده و کوبیده. حکم حکومت شاه را دارد و خیلی وحشیانه تر و جنایتگرانه تر از آن عمل کرده. آن موقعیت را دارد. مثل این می‌ماند که کسی در سال ۵۶ یا ۵۷ می‌رفت و با حکومت شاه مذاکره می کرد. به نظرم این مقایسه درست است نه مقایسه‌ای که شما توصیف کردید.

کیوان جاوید: ابراهیم علیزاده می‌گوید باید تلاش کنیم شرایط برای مذاکره آماده بشود. این شرایط چیست؟ چگونه باید آماده شود؟

حمید تقوایی: کومله شرایطی را گذاشته است و ظاهرا اگر جمهوری اسلامی آن را بپذیرد آنوقت شرایط برای مذاکره آماده می‌شود. آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی، آزادی زندانیان، به رسمیت شناختن احزاب، جمع کردن نیروهای سرکوبگر از شهرها و زندگی مردم و غیره. کومله می‌گوید من این شرایط را می‌گذارم ولی اگر جمهوری اسلامی به آن‌ها تن بدهد می‌روم و با آن‌ها مذاکره می کنم. سر چه مذاکره می کنید؟ اگر به این شرایط تن بدهد می روید چه می گویید؟ می‌گویید برو کنار؟ استعفا بده؟ چه از آن می خواهید؟ می‌خواهم بگویم مذاکره بالاخره یک مضمون و موضوعی دارد. اولااین شرایط شرایطی است که شما هرچه بیشتر بر انقلاب و حرکت اعتراضی توده مردم متکی بشوید بیشتر این شرایط را تحمیل می کنید. این شرایط را با سر میز مذاکره نمی‌شود به کسی تحمیل کرد. این شرایط را در خیابان‌ها در کارخانه ها در شهرها با اعتصابات و مبارزات، توده مردم به جمهوری اسلامی تحمیل میکنند. همانطوری که حکومت شاه در اواخر سلطنت دید که حکومت دارد ساقط می‌شود آزادی‌هایی را به رسمیت شناخت. حقوق ها را اضافه کرد، فضا بازتر شد. در اثر مبارزات مردم نه در نتیجه مذاکره با حکومت شاه. الان هم دقیقا مکانیسم تحولات اجتماعی در شرایط بحران انقلاب در شرایط امروز این است و کومله و هر نیرویی اگر می‌خواهد بعنوان نماینده مردم و در جهت تقویت مردم از جمله تحقق این خوستها یا خواست های بر حق مردم قدمی بردارد باید پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی را بلند کند. همانطور که مردم بلند کرده اند. تمام بحث اینجاست. مردم این خواستها را مدتهاست برایش مبارزه کرده‌اند و بدرست به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی باید برود. توده عظیم مردم متوجه شده‌اند که بدون رفتن جمهوری اسلامی حتی نمی‌شود در خیابانها آواز خواند. حتی نمی‌شود شاد بود چه برسد به اینکه حقوق ها از یک ششم یک هفتم خط فقر ارتقا پیدا کند و فقر و فلاکت حل بشود و محیط زیست مساله اش حل بشود زنان آزاد و برابر شوند و امثال اینها. مردم می‌دانند که تا جمهوری اسلامی نرود این اتفاقات نمی‌افتد و به همین دلیل با شعار "اصلاح طلب اصول گرا دیگه تمامه ماجرا" آمدند بیرون. و به همین خاطر با شعار مرگ بر روحانی مرگ بر دیکتاتور در شهرها بیرون آمدند. مردم به این نتیجه رسیده‌اند. آن حرکت است که آن خواستها و مطالبات برحق مردم را به کرسی می نشاند نه مذاکره. و آن حرکت را باید تقویت کرد.

کیوان جاوید: کومله با جمهوری اسلامی ننشسته اما با آن سازمانی که واسطه بوده مذاکره کرده که قبلا هم

ادامه در صفحه ۴

از صفحه ۳

در مورد مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

واسطه مذاکره فلسطین و اسرائیل بوده. کومله با این سازمان نشسته و گفته که در حال حاضر شرایط آماده نیست که با جمهوری اسلامی پشت میز مذاکره بنشینیم. آیا این دو سیاست با هم فرق نمیکند و کومله و آن چهار جریان را باید با یک چوب راند؟

حمید تقوایی: در اساس و از نظر استراتژیک فرقی نمی کند. بله خیلی خوب است و بهتر از این است که با رژیم مذاکره کند و شرایطی گذاشته است. ولی یک حزب انقلابی اگر یک سازمان نروژی به سراغش میامد جوابش باید این بود که دوستان عزیز! پادرمیانی ممکن نیست. جمهوری اسلامی نماینده هیچ‌کس نیست. این حکومت نماینده مردم ایران نیست. قاتل و سرکوبگر مردم ایران است. باید برود. ما پیشنهاد می‌کنیم شما هم با این حکومت مذاکره ای نکنید. این حکومت را ما پیشنهاد می‌کنیم بایکوت کنید. از نظر سیاسی کنارش بگذارید. از نظر سیاسی و دیپلماتیک روابط را با آن قطع کنید و سفارتخانه هایش را ببندید. ما این را به شما پشنهاد می‌کنیم و همین را می‌رفت و علنی توضیح می داد. می‌گفت یک هیات نروژی سراغ ما آمد و خواست پا در میانی کند که با جمهوری اسلامی مذاکره کنیم و جواب ما این بود. آیا این جواب بود که واقعا خواست و حرف دل توده مردم را منعکس می‌کرد یا این جوابی که الان ابراهیم علیزاده می دهد؟ که بله ما گفته‌ایم که یک شرایطی باید برقرار بشود از جمله اینکه ما به این‌ها اعتماد نداریم چون قبلا در مذاکرات با نیروهایی که با آن‌ها مذاکره کرده‌اند را مثل قاسملو و شرفکندی و غیره را ترور کرده‌اند و این‌ها قابل اعتماد نیستند؟ و از آن طرف هم در اطلاعیه اش کومله می‌گوید این‌ها می‌خواهند تفرقه بیندازند بین نیرو ها. قضیه سر این‌ها نیست. این‌ها خیلی خرد هستند.اینها جواب مساله نیست. سیاستی که یک حزب انقلابی باید دنبال کند سیاستی است که ما دنبال می کنیم. نه تنها هیچ نوع مذاکره ای با جمهوری اسلامی نداریم بلکه می‌خواهیم دولت های دنیا هم اگر واقعا در قبال حقوق بشر و دموکراسی و غیره که ادعا میکنند صادقند، باید روابطشان را با جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت قاتل مردم و به جرم جنایت علیه بشریت قطع کنند. و خواهان محاکمه سران حکومت بشوند. این خواست ماست. این جوابی است که باید به آن گروه نروژی داده می شد.

کیوان جاوید: آیا این مثلا یک اشتباه محاسباتی از جانب کومله نیست و نمیشود با آنها بحث کرد که به این سیاستی که شما میگویید برسند؟

حمید تقوایی: نه متأسفانه اینطور نیست. این یک اشتباه صرفا تاکتیکی یا ناشی از اشتباه محاسبات یا ندیدن اوضاع و غیره نیست. این یک حرکت استراتژیک است. من چند وقت پیش هم که این افشا شد که کومله با چندین سازمان و گروه اسلامی و ناسیونالیست و غیره یک کمیته "دیپلماتیک" براه انداخته اند و با آن‌ها مشغول پیشبرد همین نوع سیاستها بوده‌اند آنجا هم اینرا توضیح دادم که این متأسفانه یک استراتژی است که در کنه خودش ناسیونالیستی است. بحث بر سر این نیست که چرا کومله اینجا یا آنجا می‌خواهد مذاکره کند. یا مذاکراتی را در دستور گذاشته است یا شرایطی گذاشته است و یا نقد عمیقی به احزاب ناسیونالیست کرد ندارد. که ندارد. بلکه بحث این است که متأسفانه استراتژی ای که کومله دنبال می‌کند استراتژی است که در افق "کردایتی" یا ناسیونالیسم کرد جزئی از آن است. کرد بودن! "کردستان چهار پارچه" و الگوهایی مثل سوریه و عراق در چشم اندازش قرار دارد. این استرتژی را دنبال میکنند. کومله نه بعنوان سازمان کردستان حزب کمونیست بلکه بعنوان یک سازمان کرد صحبت می کند. و به همین دلیل است که می‌گوید جمهوری اسلامی میخواهد "بین نیروهای کرد" تفرقه ایجاد کند. یعنی بهرحال بعنوان یک سازمان کرد صحبت می‌کند و به این عنوان چشم انداز و افقی که کومله دارد همان چشم انداز و افقی است که "پ کا کا" دارد و حزب وحدت ملی که از این نیرو های سازشکار درست شده است. در پی همان افق و چشم اندازی هستند که بارزانی و طالبانی در عراق دنبال کرده‌اند. و نیروهای ناسیونالیست کرد در سوریه دنبال کرده اند. آن مدل را دنبال میکنند. اساس این مدل این است که مبارزه مردم در کردستان ایران به نسبت سایر مردم ایران سرنوشت دیگری دارد یا می‌تواند داشته باشد یا ما می‌خواهیم داشته باشد. یعنی مستقل از مردم تهران. مستقل از انقلابی که در ایران صورت می‌گیرد و مستقل از جنبش سرنگونی طلبی. فوقش جنبش سرنگونی طلبی می‌تواند اهرم فشاری باشد که در مورد کردستان با جمهوری اسلامی به توافقاتی برسیم. مدلی که سوریه پیش برد. یعنی نیروهای ناسیونالیست کرد با اسد دو فاکتو و یا حتی رسمی به توافقی رسیدند که دست اسد را در کوبیدن مردم بقیه مناطق باز بگذارند به شرطی که در کردستان خودمختار بشوند. و یا بالاخره قدرتی به هم بزنند. که همینطور هم شد. یا مدل "حکومت اقلیم" در کردستان عراق که حکومت مرکزی ساز دیگری می‌زند و این‌ها ساز دیگری. و حکومت خودشان را دارند. این افق را کومله دنبال می کند. ناسیونالیسم در استراتژی کومله نهفته است نه در اشتباه های تاکتیکی و اشتباه محاسبه. این استراتژی است که آنرا کنار پژاک قرار می دهد. کنار تزها و ایدئولوژی اوجالان قرار می دهد. کنار طالبانی قرار می‌دهد و کنار احزاب ناسیونالیستی کرد در خود ایران. اساس قصیه این است. این هم درست عکس حرکت مردم است. یعنی هیچ زمان در تاریخ ایران کارگر کرد اینقدر نزدیک به کارگر در مناطق دیگر ایران نبوده و مبارزاتشان اینقدر در هم تنیده نشده بوده. آخرین نمونه برجسته همراهی فعالین و جنبش کارگری در کردستان با اعتصاب فولاد اهواز بود. و بسیاری از اطلاعیه های اول مه ها و غیره و غیره هم میشود این همراهی را دید که الان فرصت نیست وارد آن‌ها بشوم. همینطور است در مورد بخشهای دیگر مردم در کردستان. مردم کردستان دارند با جمهوری اسلامی مبارزه می کنند. زنان در کردستان با زنان در سراسر ایران بسیار نزدیکترند تا با زنان مثلا در کردستان ترکیه. مسائل آن‌ها خواستهای آن‌ها و رژیمی که در مقابل آن‌ها است واحد است و با آن دارند می جنگند. نیروهای ناسیونالیست کرد می‌خواهند سرنوشتشان را در "چهار پارچه" دنبال کنند. و مرکز را کنار بگذارند. تزهای به اصطلاح تئوریک آنرا اوجلان داده است. در دیدگاه اوجلان اصلا قدرت مرکزی مهم نیست. اصلا دولت مهم نیست. باید بروید و از پایین دموکراسی درست کنید و خودمختار بشوید و غیره. این خط از نظر سیاسی معنی ای جز سازش با دولت های مرکزی ندارد. در ترکیه در سوریه در عراق و در ایران. الان کومله دارد همین خط را در ایران پیاده می کند. به نظرم این یک استراتژی است که نمونه‌های قبلی آن‌ها را دیده ایم. از جمله همان نشست به اصطلاح دیپلماتیک و همان سی و خورده‌ای سازمان ناسیونالیستی و اسلامی کرد و این نمونه دیگرش است که میگوید ما می‌خواهیم با شرط و شروطی با جمهوری اسلامی امروز مذاکره کنیم. این‌ها به نظر من حرکتهای معینی در جهت استراتژی کردستانی یا استراتژی ناسیونالیستی منطقه ای کومله است و ربطی به مردم ندارد.

کیوان جاوید: در مقابل این چهار حزب ناسیونالیست و این استراتژی کومله که توضیح دادید مردم چه سیاستی باید در پیش بگیرند؟

حمید تقوایی: یک ضربه‌ای

ادامه در صفحه ۶

از صفحه ۱

هفته ای که گذشت آینه ای از فضای پر تلاطم جامعه بود

شلاق محکوم میکند. شورای عالی انقلاب فرهنگی همراه با سران قوای مقننه و قضائیه و دیگر دارو دسته هایشان جلسه اضطراری تشکیل داده و نقشه اجرایی کردن طرح شکست خورده عفاف و حجابشان را مصوب میکنند. دستگیریها را شدت داده و اکتیویست اعتراضات اجتماعی را زیر ضرب قرار میدهند. از اوج استیصال در درون زندان نقشه توطئه قتل و جنایت زندانی سیاسی را طراحی میکنند. تلاش میکنند بلکه کمی بر اوضاع کنترل داشته باشند، اما مردم با کارزارهای مبارزاتی شان در مقابل این سرکوبگری ها ایستاده اند و حول خواستهای سراسری خود گرد آمده و جلو میآیند. نگاهی به اتفاقات همین دو هفته اخیر تصویری گویا از این اوضاع بدست میدهد. از جمله اقلام زیر نمونه های برجسته ای از این کارزارها و مبارزات است:

کمپین "آزادی بازداشتی های هفت تپه" با بیش از هزار امضا، کارزار برای علنی شدن محاکمات از سوی معلمان که تا کنون ۳۷۶ نفر آنرا امضا کرده اند ، اعتراضات گسترده معلمان به حکم وحشیانه شلاق برای حمید رحمتی عضو کانون صنفی معلمان، فراخوان به تجمع از سوی بازنشستگان در اعتراض به شرایط طاقت فرسای تورم و گرانی با خواست درمان رایگان همگانی برای بیست و پنجم تیرماه، تحصن سپیده قلیان در زندان قرچک ورامین در اعتراض به ضرب و شتم ندا ناجی و عاطفه رنگریز از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و جاری بودن کارزار برای آزادی بازداشت شدگان اول ماه مه، دیدارعلی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه با کارگران سندیکای شرکت واحد و تاکید آنان بر حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و روز جهانی کارگر، مقابله مردم با سرکوبگران شهرداری در حمایت از دستفروشان و تبدیل آن به اعتراض علیه گرانی در رشت، تبریز و اطراف فلکه دوم صادقیه در تهران، کارزار معلمان برای خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و فراخوان آنان به خانواده ها به نپرداختن شهریه، کارزار مبارزاتی علیه اعدام از جمله در شهر سنندج و نقش فعال اکتیویست های کارگری در این اعتراضات، اعتراضات گسترده کارگری در مراکز راه آهن، شهرداری ها و در کارخانجاتی چون رینگ سازی مشهد و تجمع اعتراضی بیش از ۶۰۰ کارگر آذر آب اراک و زمزمه های اعتراض در هپکو و شرکت آلومینیوم سازی در این شهرو... . این لیست طویل است و گوشه ای از اتفاقات تحول سازی را بنمایش میگذارد. نگاهی گذرا به کارزارها و مبارزاتی که برشمرده شد، داشته باشیم.

کمپین برای آزادی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه

در ادامه کارزارهای مبارزاتی در سطح جامعه و در سطح جهانی در حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و بازداشت شدگان آن، طی دو هفته اخیر کمپینی بصورت یک طومار اعتراضی به ادامه این بازداشت ها و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان به راه افتاده است. خطاب این کمپین به همه مردم آزادیخواه و برابری طلب است و تا کنون بیش از هزار نفر آنرا امضا کرده اند. این صف آزادیخواهی است که با چنین کارزارهایی متحد میشود.

صدای اسماعیل بخشی ها علیه شکنجه و زندان است. اسماعیل بخشی برای مردم سمبل آزادیخواهی، برابری طلبی است. صدایی که با آلترناتیو شورایی به کل جامعه راه نشان داد. دفاع از او و پیوستن به کمپین برای آزادی وی و همه بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، گام مهمی در تقویت صف آزادیخواهی است. باید وسیعا به این کارزار پیوست.

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در سال گذشته، ضربه ای به رژیم اسلامی و بساط توحش و بربریت سرمایه داری حاکم بود. لذا، رژیم و نیروهای امنیتی آن در پی جبران این ضربه و انتقام از این کارگرانند.

با اتهامات امنیتی از جمله؛ "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی"، "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام"، "توهین به مقام رهبری"، "نشر اکاذیب به قصد تشویش علیه اذهان عمومی"، و "اخلال در نظم عمومی از طریق حضور در تجمع های غیرقانونی" اسماعیل بخشی را در زندان نگاهداشته و دو اتهام دیگر نشر اکاذیب در فضای مجازی و تشویش اذهان عمومی نیز علیه او در دست بررسی است. علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه و ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی فرد و امیر امیر قلی و عسل محمدی اعضای نشریه گام که جرمشان رسانه ای کردن اخبار اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه است به خاطر اتهامات امنیتی ای از همین دست دستگیر و یا تحت بازخواست و بازجویی قرار گرفته اند. بر اساس ابلاغیه شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران از "اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، امیر امیرقلی، ساناز اله یاری، امیرحسین محمدی فرد، عسل محمدی و علی نجاتی" خواسته شده که راس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۲ مردادماه ۹۸ در این دادگاه حاضر شوند. در کیفرخواست صادره که در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه به آنان ابلاغ شده است. دور جدید کارزار برای آزادی دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه تا هم اکنون پاسخ خوبی گرفته است. از جمله عفو بین الملل طومار این کارزار را باز نشر کرده است. باید وسیعا از این کمپین حمایت و پشتیبانی کرد و صدای آن در سطح جهانی بود. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، معلمان زندانی، زنان آزادیخواه دربند، فعالین زندانی معترض علیه تخریب محیط زیست و تمامی زندانیان سیاسی باید فورا و بدون قید و شرط آزاد شوند.

تحصن سپیده قلیان در زندان قرچک

سپیده قلیان دختر جوانی که به جرم حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و صحه گذاشتن برکیفرخواست بخشی علیه زندان و شکنجه، با اتهاماتی چون " فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، همکاری با گروهای معاند و اخلال در نظم عمومی" در زندان قرچک ورامین بسر میبرد. سپیده قلیان از ظهر روز یکشنبه ۱۶ تیرماه در اعتراض به ضرب و شتم زندانیان سیاسی و فضای ملتهب این زندان و نیز در اعتراض به قطعی آب و نبود کولر و محرومیت زندانیان از حداقل امکانات زیستی، روبروی دفتر مدیریت زندان دست به تحصن زده است. سپیده قلیان با تحصن خود صدای اعتراض زندانیان در زندان قرچک است.

واقعیت اینست که زندان و سرکوب مردم را خاموش نمیکند؛ وقتی که سپیده قلیان در سیزدهم خرداد ماه بعنوان تنبیه به زندان قرچک منتقل شد، گفت: من همچنان ایستاده ام! و امروز نیز در برابر سرکوبگری های درون زندان با تحصن کردن در مقابل دفتر مدیریت زندان، صدای اعتراضش را بلند کرده است. در کنار سپیده قلیان بایستیم و وسیعا از او حمایت و پشتیبانی کنیم.

گفتنی است که روز ۱۵ تیر ندا ناجی و عاطفه در راه مراجعه به بهداری، به بهانه نداشتن چادر توسط پرسنل زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. آنها در این رابطه به معاونت زندان اعلام شکایت کرده اند. ندا ناجی، عاطفه رنگریز، مرضیه امیری و آنیشا اسداللهی از بازداشت شدگان اول مه هستند که همچنان در زندان بسر میبرند. هم اکنون کارزاری برای آزادی آنها در جریان است. از جمله عفو بین الملل در همین هفته طی بیانیه ای اعتراضی ضمن محکوم کردن بازداشت آنها، خواستار آزادی فوری و بدون قیدو شرط آنان شد. این کارزار ادامه دارد. حق برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، حق برپایی تجمعات اعتراضی و حق اعتصاب و آزادی بیان از جمله تاکیدات در این کارزار مبارزاتی بوده است.

ادامه در صفحه ۶

از صفحه ۵

هفته ای که گذشت آینه ای از فضای پر تلاطم جامعه بود

کارزار معلمان با خواست علنی شدن محاکمات

طوماری در اعتراض به احکام ناعادلانه علیه معلمان و امنیتی کردن مبارزات آنها به راه افتاده است و تا کنون ۳۷۶ نفر آنرا امضا کرده اند. این اعتراضی به احکام امنیتی صادر شده برای معلمان دربند از جمله؛ اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، روح الله مردانی، محمود بهشتی، محمد علی زحمتکش و عبدالرضا قنبری است. این کارزار اعتراضی به صدور حکم وحشیانه شلاق و زندان برای حمید رحمتی عضو کانون صنفی معلمان در شهرضا است. این کارزار اعتراضی به بساط دزدسالار و بر مسند قدرت بودن دزدان و اختلاس گران و در زندان بودن معلمان معترض است. علاوه بر این طومار اعتراضی، معلمان با تجمعاتشان و بطور مثال در مریوان و کرمانشاه انزجار خود را از صدور حکم شنیع شلاق برای حمید رحمتی اعلام داشتند و این اعتراضات ادامه دارد. معلمان همواره پیشتاز طرح خواستهای سراسری مردم در سطح جامعه بوده اند. این کارزار صدای اعتراض کل جامعه علیه بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم است و باید از آن وسیعا حمایت و پشتیبانی کردند.

این کارزارها در کنار کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات که جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی از درون زندان آنرا اعلام کردند و ابعادی اجتماعی پیدا کرد و جنبش گسترده در حمایت از کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان و نیز اعتراضی که امروز سپیده قلیان با تحصن در زندان علیه وضع اسفناک زندان آغاز کرده است، همه و همه گامهای مهمی از جنبش برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و علیه سرکوبگریهای حکومت است. این کارزارها گامهای مهمی در پیشروی جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی حکومت است.

درمان رایگان برای همه و تحصیل رایگان برای همه کودکان

درمان رایگان برای همه، و تحصیل رایگان برای همه کودکان، دو خواست محوری معلمان و بازنشستگان است که با مبارزات جانانه چند ساله اخیر خود توانسته اند آنها را به جلو بیاورند و پرچمدارش باشند. فراخوان بازنشستگان به تجمع در مقابل وزارت کار برای روز ۲۵ تیرماه در اعتراض به گرانی و محرومیت از حق درمان رایگان و فراخوان معلمان به خانواده های دانش آموزان به نپرداختن شهریه با تاکید بر تحصیل رایگان برای همه کودکان، گامی مهم در تعین بخشیدن بیشتر این خواستها و بسیج کل جامعه حول آنهاست. مبارزات بازنشستگان و معلمان شایسته وسیعترین حمایت هاست. کارزار نپرداختن شهریه و پایان دادن به پولی شدن آموزش و حق همه کودکان به تحصیل رایگان و کارزار درمان رایگان برای همه کودکان را با قدرت به جلو بریم. زنده باد معلمان، زنده باد بازنشستگان!*

از صفحه ۴

در مورد مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

که این موضع گیری های کومله می‌زند متاسفانه به موقعیت و چهره و مواضع نیروهای چپ و کمونیست در کردستان است. کومله بالاخره یکی از نیروهای شناخته شده و با سابقه کمونیستی در کردستان حساب می‌شود و این نوع حرکتها کاملابه موقعیت چپ و به موقعیت هر کسی که واقعا پرچم سرنگونی را در کردستان بلند می‌کند ضربه میزند. و این حرکت را به اصطلاح مخدوش می‌کند و به عقب می راند. این را ما بعنوان حزب کمونیست کارگری ایران و هر نیروی کمونیستی که واقعاخواستار سرنگون کردن جمهوری اسلامی به قدرت تودهای مردم و انقلاب است نباید اجازه بدهیم که این به بستر اصلی تبدیل بشود. یا به گفتمان اصلی چپ در کردستان. مقابل این باید ایستاد. من فقط منظورم سازمانهای دیگر نیست. در خود صفوف کومله هم انتظار اینست که با این استراتژی مخالفت شود. کومله باید به خودش بیاید و باید این استراتژی را کنار بگذارد. یک نیروی کمونیستی در کردستان امروز باید برعکس بر هم سرنوشتی کارگر کرد و کارگر تهرانی و اصفهانی و تبریزی تأکید کند. بر هم سرنوشتی زنان کردستان و بقیه زنان ایران تاکید کند. بر هم درد بودن و همراهی توده مردمی که از فقر و بیکاری و گرانی به فغان آمده‌اند با توده مردم بقیه ایران تأکید کند. و بگوید سرنوشت کردستان از سرنوشت ایران جدا نیست.

ما مبارزه می‌کنیم برای حل همه مسائل و ستمها و تبعیضات از جمله ستم ملی و تبعیض ملی. جمهوری اسلامی را باید به زیر بکشیم. ما نمی‌خواهیم مردم سرنوشتی مثل "دولت اقلیمی"عراق داشته باشند. یا بدتر از آن مثل سوریه و ترکیه. ما می‌خواهیم جامعه‌ای داشته باشیم آزاد، برابر مرفه و بدون هیچ نوع تبعیضی. نه تبعیض ملی و ستم ملی و نه تبعیض طبقاتی و غیره. ما برای این می جنگیم و به این معنا دست کارگر کرد باید در دست غیر کرد گذاشته بشود. همه شهرهای ایران، سنندج و تبریز و بلوچستان و تهران و اصفهان و شیراز باید دست در دست هم به پیش بروند. استراتژی ما استراتژی سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت همه مردم در ایران است. و اتفاقا این مدل است که می‌خواهیم احزابی که ادعای آزادی دارند در کردستان و جاهای دیگر دنبال کنند. یعی درست عکس جهتی که کومله می رود. کمونیسم در کردستان امروز باید منتقد عمیق اوجلان و "آپوئیسم" باشد. منتقد عمیق ناسیونالیسمی باشد که الگوهای "چهار پارچه ای" را جلوی مردم می گذارد که برای مردم کردستان فاجعه آفریده است. علیه سیستمی باشد که دنبال "دولت اقلیمی" خودش است. دنبال ساخت و پاخت با دولت مرکزی است که شاید یک امتیازی در منطقه ای به آن بدهند. در مقابل این باید حرکت کند. اگر این کار را بکنیم به نظر من این مدل و الگویی می‌شود که رهایی مردم در کردستان عراق و کردستانهای دیگر همه آن گره می خورد. من فکر می‌کنم کمونیسم باید این موقعیت را پیدا کند و ما بعنوان حزب کمونیست کارگری این موضع را داریم, این را به پیش می‌بریم و فراخوان من به همه نیروهای انقلابی رادیکال و کمونیستی که خواهان آزادی مردم در کردستان و همه ایران هستند این است که به این خط بپیوندند و با این سیاست عمل کنند. *

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

وضعیت فعالین بازداشت شده و واکنش سازمان عفو بین الملل (امنستی)

شیرین شمس

بعد از اعتصابات و اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بطور ویژه از "هشت مارس" روز جهانی زن تاکنون و مشخصا در تجمع "اول ماه مه" روز جهانی کارگر مقابل مجلس اسلامی، با شتاب بیشتری دست به تهدید و بازداشت و فشار بر فعالین جنبش رهایی زن، جنبش کارگری و جنبش دانشجویی که از ارکان اساسی جنبش سرنگونی اند، زده اند. فعالینی که صدای "نه" اکثریت مردم به عبارتی صدای "نه" ۹۹درصدیهای جامعه ایران به بیحقوقی و سرکوب زن، به حجاب اجباری، به فقر، به بیکاری، به گرانی، به استثمار و به سرکوبهای سازماندهی شده حکومتی بوده اند.

اخیرا نیز بطور سازماندهی شده در حال عادی سازی بازداشتهای طولانی مدت فعالین این جنبشها، اتهامهایی که هر هفته اضافه میشوند، تعیین وثیقه های سنگین، بازجویی های طولانی مدت، اعتراف گیری های اجباری و انتقال به زندانهایی چون قرچک و فشافویه که شرایط زندانیان در آن بسیار سخت است، هستند. اینگونه بازداشتها به نوعی گروگانگیری توسط حکومت است تا ارتباط فعالین را با بدنه جامعه قطع کند و مانع پیشروی مبارزات علیه وضع موجود شود و با گرفتن ضمانت از آنها حتی بعد از پایان بازداشت، آنها را منفعل کند. این در حالیست که بسیاری از خانواده ها امکان تهیه وثیقه های سنگین ندارند. ضمن اینکه این وثیقه های سنگین و حتی کفالتها به نوعی ضمانت گرفتن توسط حکومت است تا در هر زمان و هر مکان و به هر بهانه ای امکان بازداشت مجدد این فعالین را توسط نیروهای امنیتی فراهم کند.

بازداشت فعالین حقوق زن، یکی از استراتژی های حکومت بوده تا با زندانی کردن آنان و قطع ارتباطشان با بدنه جامعه، مانع پیشروی جنبش نوین رهایی زن و گسترش مبارزه علیه حجاب اجباری شود. حجابی که یکی از فاکتورهای تعیین کننده در سرکوب زنان و جامعه، و نیز برای ثبات و بقاء جمهوری اسلامی بوده است.

فعالین دانشجویی و کارگری نیز، یکی از دغدغه های اساسی نظام حاکم بوده و هست. از اینرو همواره با فشار و تهدید و بازداشت آنها سعی در متوقف کردن پیشروی این دو جنبش داشته است. جنبشهایی که بصورت تاریخی، نقش تعیین کننده ای در مقابل جمهوری اسلامی داشته اند؛ جنبشهایی که نه فقط مطالبات صنفی خود، بلکه مطالبات 99درصدیهای جامعه ایران را نیز نمایندگی کرده و میکنند.

لذا ضروری است که برای آزادی فوری و بدون وثیقه و بدون هرگونه قید و شرط فعالین بازداشت شده، از هیچ اقدامی دریغ نکرد، کنار خانواده های آنها بود و با تقویت کمپین های ایجاد شده برای آزادی این انسانهای مبارز شتافت.

آخرین وضعیت فعالین بازداشت شده:

۱۲ مردادماه دادگاه متهمان پرونده اعتراضات هفت تپه، اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی و عسل محمدی و سه عضو نشریه گام ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی فر و امیرامیرقلی برگزار می‌شود.

روز دوشنبه ۱۷ تیر ۹۸ مامورین اطلاعات با یورش به منزل مریم محمدی از فعالین "ندای زنان ایران" او را دستگیر، ابتدا به مکانی نامعلوم و سپس به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد!

ندا ناجی فعال حقوق زنان که در روز جهانی کارگر مقابل تجمع مجلس بازداشت شده و در زندان قرچک قرچک زندانی است در روزهای اخیر طی ۲۴ ساعت مورد حمله واقع شده است. جمال عاملی، همسر ندا ناجی روز شنبه ۱۵ تیر در توئیتر خبر داد که این فعال حقوق زنان یک بار از سوی یک زندانی و یک بار از سوی پرسنل زندان مضروب شده و به بهداری منتقل شده است. به گفته او ندا ناجی بر اثر این حملات و ضرباتی که به سرش وارد شده از نظر بینایی دچار مشکل شده است.

عاطفه رنگریز دانشجو و فعال حقوق زنان هم، روز شنبه ۱۵ تیر ۹۷ مورد ضرب و شتم مسئولین زندان قرچک ورامین قرار گرفته و از ناحیه پا و کتف آسیب دیده است.

ندا ناجی و عاطفه رنگریز، ظهر همان روز در راه مراجعه به بهداری، به بهانه نداشتن چادر توسط پرسنل زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. پس از این اتفاق آنان شکایت خود را در این رابطه به معاونت زندان تسلیم کرده اند.

سپیده قلیان دانشجوی بازداشتی در زندان قرچک ورامین ظهر روز یکشنبه ۱۶ تیر ۹۷ در اعتراض به ضرب و شتم زندانیان سیاسی، فضای ملتهب زندان، قطعی آب و نبود کولر در زندان قرچک ورامین در مقابل دفتر مدیریت زندان دست به تحصن زده است.

سه شنبه ۲۸ خرداد ۹۸، ماموران وزارت اطلاعات آنیشا اسدالهی را که از بازداشت‌شدگان روز کارگر بود و با قرار کفالت به طور موقت آزاد شده بود، در محل کار مجددا بازداشت کردند. به گفته خانواده آنیشا اسدالهی او برای دومین بار تماس تلفنی کوتاهی با خانواده خود داشته است. بیش از بیست روز است که آنیشا پس از دستگیر شدن مجدد، در سلول انفرادی در زندان اوین و تحت بازجویی است. بنا به اطلاع برادر آنیشا اسداللهی، او تمام این مدت را در انفرادی سپری کرده و تنها ۵دقیقه فرصت تماس با خانواده به او داده شده است.

مرضیه امیری دانشجو و روزنامه‌نگار زندانی در زندان اوین، پس از حدود دوماه بازداشت، روز پنجشنبه ۱۴تیر ۹۸ به دادگاه انقلاب منتقل و با سه اتهام روبرو شد. سمیرا امیری، خواهر این روزنامه‌نگار زندانی در حساب توییتری خود از تفهیم اتهام مرضیه خبر داده است. به گفته او، در متن کیفرخواست دادگاه انقلاب، خواهرش به "اجتماع و تبانی علیه نظام"، "تبلیغ علیه نظام" و "اخلال در نظم عمومی" متهم شده است. قرار است او در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، به ریاست قاضی "محمد مقیسه" محاکمه شود. مقیسه با درخواست این بازداشتی برای تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه مخالفت کرده است.

پس از اعتراض شدید ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی‌فرد و فشار خانواده و مادر امیرحسین و دوستان به محدودیت اجباری در تماس‌ها و ملاقات‌های ساناز، ارتباط او با نزدیکانش به روال عادی برگشت. امیرحسین و ساناز به قصد اتمام بازداشت خود و زندانیان هفت‌تپه و برای اعتراض به بلاتکلیفی خود در زندان، بیش از یک هفته است که در اعتصاب غذا به سر می‌برند.

صبا کردافشاری زندانی سیاسی سابق و از مخالفین حجاب اجباری که از قرچک ورامین برده شده بود بیش از ده روز است که به مکان نامعلومی منتقل شده است و مادرش در بیخبری بسر می برد و در صفحه ی اینستاگرام خود برای دخترش نوشت و خواهان خبری از وی شد!

راحله احمدی، مادر صبا کرد افشاری، زندانی سیاسی سابق و از مخالفین حجاب اجباری که از حدود چهل روز پیش در بازداشت به سر می برد توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. به گفته نزدیکان راحله احمدی بازداشت وی به هدف تحت فشار قرار دادن فرزندش است که در طی هفته‌های اخیر از انجام اعترافات ویدیویی خودداری کرده است. راحله احمدی پس از بازداشت بابت اتهامات مختلف در دادسرا مورد تفهیم اتهام قرار گرفته و پس از انتقال به قرنطینه زندان قرچک ورامین به مکان نامعلومی منتقل شده است.

راحله احمدی پس از بازداشت در دادسرا با عناوینی چون "تبلیغ علیه نظام"، "همکاری با رسانه های »معاند«" و "تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا" تفهیم

ادامه در صفحه ۱۰

پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام یک اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی است!

آیین نامه ها، قوانین و سیاست های جمهوری اسلامی بدون استثنا ضد انسانی و جنایتکارانه است. اخیرا از سوی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی آئین نامه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس، شلاق و تبعید ابلاغ شده است. در ماده ۴۷ این آئین نامه شرایطی برای پیوند اعضای بدن محکومین اعدام پیش و یا پس از اجرای حکم در صورتیکه محکومین "داوطلبانه" به آن مبادرت کنند و این امر از نظر پزشکی بلامانع باشد، پیش بینی شده است. طرح مسئله پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام با اعتراض بخشی از پزشکان و حقوقدانان روبرو شده است. کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن مخالفت شدید با پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام، دلایل خود را به شرح زیر اعلام می دارد:

نفس نجات جان یک انسان از طریق اهدای داوطلبانه اعضای بدن یک انسان دیگر، رویکردی بسیار انسانی است اما قانونی کردن پیوند اعضای محکومین به اعدام استفاده جنایتکارانه و منفعت جویانه از کسانی است که زندگی و جانشان به گروگان گرفته شده است. محکومین به اعدام قبل از مرگ، حالا باید با خطر مثله شدن در زندانها به خاطر خرید و فروش اعضای بدنشان نیز دست و پنجه نرم کنند. ما معتقدیم نفس مجازات ضدانسانی اعدام باید بدون برو برگرد لغو شود. اما جمهوری اسلامی می خواهد هم اعدام کند و هم اعضای بدن محکومین به اعدام را به فروش بگذارد.

از نظر ما کسی که به اعدام محکوم شده است در معرض یک مرگ طبیعی و یا ناشی از بیماری قرار ندارد. اعدام همانطور که ما بارها اعلام کرده ایم قتل عمد دولتی و گرفتن آگاهانه جان انسانها از سوی دولت به قصد ارعاب و منکوب کردن جامعه است. از نظرما پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام تحت عنوان "نجات جان یک انسان دیگر" هدفی جز مشروع جلوه دادن مجازات ضد انسانی اعدام ندارد. جمهوری اسلامی با این ترفند می خواهد قبح و ضد انسانی بودن اعدام را بپوشاند.

کسی که به اعدام و مرگ محکوم شده است در شرایطی نیست که بتواند فارغ از اجبارهای متعدد به گرفتن تصمیم "آزادانه و داوطلبانه" در باره پیوند اعضای بدن خود دست بزند. فرد محکوم به اعدام قبل از هرچیز و مهمتر از هرچیز تلاش میکند از مرگ نجات پیدا کند. تزویر و تحمیل مذهبی یکی از عواملی است که ممکن است محکومین به اعدام را تحت عنوان " بخشیدن گناه آنها در دنیای دیگر" مجبور به انجام این کار کند. یکی از دیگر عوامل، اجبارهای اقتصادی است که ممکن است عده ای از محکومین به اعدام را وادار کند تا برای تامین معاش خانواده خود پس از مرگ، در ازای دریافت پولی، دست به این کار بزنند. از نظر ما شرایط محکومین به اعدام بهیچوجه همان شرایطی نیست که یک فرد خارج از زندان و فارغ از حکم اعدام دارد. بسیاری از انسانها سالها پیش از آنکه در معرض خطر مرگ قرار بگیرند تصمیم می گیرند که اعضای بدن خود را قبل از مرگ و یا پس از آن اهدا کنند .اهدای اعضای بدن محکومین به اعدام داوطلبانه نیست، حتی اگر خود به آن رضایت داده باشند. نمیتوان با اعضای بدن کسی که قرار است به زور اعدامش کنند معامله کرد.

پیوند اعضای محکومین به اعدام که در چین متداول است به یک تجارت سود آور بدل شده بود. شرکتهایی وجود داشتند که اعضای پیوندی محکومین به اعدام را با قیمتی گزاف در اینترنت می فروختند. چند سال پیش این اقدام زشت و قبیح از جانب پزشکان انگلیسی افشا شد و حتی برخی بیمارانی که برای پیوند به چین رفته بودند پس از اطلاع از اینکه اعضای پیوندی متعلق به زندانیان محکوم به اعدام است از عمل پیوند امتناع کردند. ابعاد استفاده جنایتکارانه و سودپرستانه از اعضای بدن محکومین به اعدام چنان وسیع بود که دولت چین تصمیم گرفت تجارت عضو پیوندی را ممنوع کند. در جمهوری اسلامی که فساد و دزدی وجه مشخصه حکومت است، باب شدن پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام به منبع پر سودی برای گروههای مافیای حاکم هم تبدیل خواهد شد. بطور قطع می

ادامه در صفحه ۱۱

سلاطین مسکن

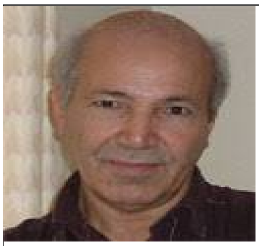

کاظم نیکخواه

یکی از ابواب جمعی حکومت اسلامی صاحب ۲۵۰۰ خانه در تهران است. این را نماینده مجلس اسلامی اعتراف کرده است. یکی از شعارهای اعتراضات کارگران و بازنشستگان اینست: "ملک نجومی تو مارا بی مسکن کرده". براستی باورتان میشود ابعاد دارایی های حکومتی ها اینچنین عظیم و نجومی باشد؟ همانطور که انسان بسختی باور میکند که در تهران گورخوابی حقیقت داشته باشد، باور کردن مالکیت چند هزار خانه در تهران توسط یک نفر هم بسیار مشکل است. اما این ارقام را مخالفین حکومت افشا نکرده اند. افضل حسینی عضو کمیسیون عمران مجلس اسلامی همین امروز ۱۷ تیر گفت "در تهران کسانی هستند که صاحب ۲۵۰۰ خانه هستند". ۲۵۰۰؟ آری درست است. ۲۵۰۰ خانه در تهران! قیمت متوسط خانه در تهران هر متر حدود ۶ میلیون تومان است. و این فقط قیمت متوسط است. در بعضی مناطق بویژه در منطقه یک قیمت مسکن متری حدود ۱۵ میلیون تومان است. مغز انسان سوت میکشد که یکی از ابواب جمعی حکومت و عضوی از خانواده مافیای حاکم هزاران واحد مسکونی را در همین تهران تصاحب کرده است. یکی دیگر از نمایندگان مجلس اسلامی بنام زهرا سعیدی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی چندی پیس از مالکیت ۷۰۰ واحد مسکونی در شهر ری توسط یکی از دوروبری های حکومتی ها خبر میدهد.

و این فقط گوشه ای از اموال و دارایی هایی است که این مفتخوران چاپیده اند و تل انبار کرده اند. و همه میدانند که اینها فقط در تهران و شهر ری و شیراز و اصفهان صاحب یک عالمه ساختمان و خانه نیستند. همین گرگها در مالزی و کانادا و لندن و گرچستان و بسیاری جاهای دیگر دنیا نیز با پولهای عظیمی که چاپیده اند و غارت کرده اند ویلاها و ساختمانهای لوکس و شرکتها و دارایی های بسیار باشکوه و عظیمی را صاحب شده اند. حسابهای بانکی شان هم معلوم نیست چند میلیارد پول را جمع کرده است. دست اندرکاران حکومت اسلامی جزو بزرگترین سرمایه داران بزرگ دنیا محسوب میشوند.

"ملک نجومی تو ما را بی مسکن کرده"، حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" براستی این شعارها حقیقتی غیر قابل انکار را بیان میکند. شکاف عظیم ثروت و فقر. شکاف فزاینده طبقاتی میلیونها نفر را بیخانمان و محروم و بی مسکن و گورخواب و کارتون خواب کرده است. فاجعه مهلک فقر و فلاکت و بی مسکنی و محرومیت میلیونی مردم تنها و تنها با همین چپاولها و غارتهای عظیم نجومی قابل توضیح است. و حل این معضلات اجتماعی نیز تنها با پایان دادن به سیستم چپاول و دزدی سرمایه داران و مفتخوران امکان پذیر است. باید باور کرد که راه دیگری وجود ندارد.*

حملات توپخانه ای و هوایی نیروهای سرکوبگر سپاه به مردم غیره نظامی و مقرات نیروهای اپوزیسیون در خاک اقلیم کردستان را محکوم میکنیم!

بر پایه اخبار منتشر شده، امروز چهارشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۹۸، ساعت ۹ نیم صبح هلی کوپتر ها و هواپیماهای بدون سرنشین سپاه پاسداران، مقرها و سنگرهای پیشمرگان احزاب ناسیونالیست کرد درمناطق " حاجی ئومەران" "بەردە سران، تالانه، د ی ر ت" در مرز ایران و عراق (دامنه قندیل) را مورد حمله قرارداده و بعد از آن دوباره درساعت ۱۲/۲۰ ظهر با حملات توپخانه ای " د ه مەیدان" را در منطقه پیرانشهر به بهانه حمله به مقرات آنها مورد آماج کاتیوشا و خمپاره قرار داده است.

منطقه وسیعی از مزارع ، باغها و پوشش جنگلی این نواحی طعمه‌ی حریق شده و در آتش سوخته اند. همچنین در روستای " تەلان" دختر جوانی به نام "زیتون قادر" ۱۸ ساله و دو برادر دیگرش به نامهای سیروان ۲۳ ساله و اسماعیل ۱۴ ساله زخمی شده‌اند.

گفته میشود رژیم جمهوری اسلامی به بهانه کشته شدن سه تن از مزدوران محلی سپاه در پیرانشهر به این حملات دست زده و مردم این منطقه را با خطر کشته و زخمی شدن و همچنین از بین رفتن باغ و مراتع و مزارع روبرو کرده است.

در شرایطی این حملات و بمبارانها اتفاق میفتد که همین احزاب مستقر در مرز گفته اند چانی زنی آنها با رژیم ادامه دارد. آنها دور از چشم جامعه و تشکیلات خودشان مشغول بند وبست با رژیمی هستند، که به وحشیانه ترین شیوه زندگی و محل ممر معاش مردم را مورد حمله زمینی و هوایی قرار میدهدد و با بمب و هواپیما مردم ساکن این منطقه و نیروهای همین احزاب را زیر ضرب گرفته است. این شاید اولین نتایج توهم به جمهوری اسلامی است که همین احزاب مرتجع شاهدش هستند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حملات سپاه پاسداران حکومت اسلامی به مردم عادی و مقرات نیروهای احزاب ناسیونالیست کرد را محکوم می کند.

سرنگون باد
رژیم سرکوبگر اسلامی

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۹ تیرماه ۱۳۹۸
۱۱ ژوئن ۲۰۱۹

توطئه جمهوری اسلامی و احزاب ناسیونالیست علیه جنبش سرنگونی را ناکام میکنیم!

کارگران! مردم آزادیخواه!

اکنون بر همگان روشن است که چهار حزب ناسیونالیست کردستان یعنی دو حزب دمکرات و دو حزب زحمتکشان مخفیانه با جمهوری اسلامی وارد بند و بست و به اصطلاح مذاکره شده اند. از لحظه درز این خبر به بیرون موجی از عکس العمل در داخل و خارج کشور علیه سناریوی طرح ریزی شده جمهوری اسلامی و بند و بست این احزاب با آن و در دفاع از جنبش سرنگونی به راه افتاده و ماهیت سازشکارانه و غیر مسئولانه و ضد مردمی این احزاب آشکارتر از همیشه برای همگان افشا شده است. رفتار این جریانات چنان کثیف و ضد مردمی است که حتی جرات نکرده اند گزارشی به اعضا و فعالین خود بدهند. همین یک نکته به اندازه کافی سند محکومیت این به اصطلاح دیپلماسی و درعین حال زبونی و شکنندگی این جریانات است.

تجربه چند روز گذشته بار دیگر نشان داد که توده وسیعی از مردم و مخالفین جمهوری اسلامی با تمام نیرو از دستاوردهای جنبش سرنگونی و جنبش های حق طلبانه دفاع میکنند و نمیگذارند دستاوردها و پیشروی های مبارزه برای سرنگونی حکومت ننگین اسلامی با توطئه حکومت و احزاب ناسیونالیست از دست برود. مردم در کردستان و در سراسر کشور بخوبی میدانند که با حکومتی که برای سرنگونی آن بپاخاسته اند نمیتوان، مخفیانه یا علنی، با شرایط یا بدون شرایط، به اصطلاح مذاکره کرد. این رژیم در هیچ شرایطی قابل مذاکره نیست. اقدام این احزاب ترمزی در مقابل مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت است و ناشی از بی آبرویی این احزاب، سابقه سیاه آنها و در عین حال ترسشان از رشد کمونیسم و آزادیخواهی و مبارزات رادیکال بخش های مختلف مردم است و رسوایی بیشتر این احزاب را به بار خواهد آورد. اینرا ما و همه مردم سرنگونی طلب و آزادیخواه تضمین میکنیم. رفتار این احزاب، همانطور که تجربه احزاب برادر آنها در کردستان عراق، نشان داده است که اینها تعلقی به مردم ندارند و از هیچ توطئه ای علیه مردم، هر جا امکانش را پیدا کنند، کوتاهی نمیکنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، مردم کردستان، سازمانهای چپ و کمونیست، فعالین سیاسی در کردستان و در سراسر کشور و در خارج کشور را فرا میخواند که قاطعانه علیه سناریوی مهندسی شده جمهوری اسلامی و دریوزگی احزاب ناسیونالیست بایستند و این توطئه ها را در نطفه خفه کنند.

ما در عین حال کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) را فرا میخوانیم که از لکنت زبان در باره این سناریوی ضد مردمی دوری کند، دست از این دیپلماسی ناسیونالیستی و همراهی با جریانات ناسیونالیست بردارد و بند و بست این جریانات را روشن و قاطع محکوم کند. امیدواریم کومله بیش از این خود را آلوده نکند و از این تجربه درس درستی بگیرد.

جنبش آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم هر روز قدم های بزرگتری به جلو برمیدارد، هر روز رادیکال تر و سازمانیافته تر و قدرتمندتر میشود و فرصتی برای این بازی های ضد مردمی برای هیچ جریانی باقی نخواهد گذاشت. نقشه جمهوری اسلامی و این جریانات در نطفه نقش بر آب شده است.

زنده باد جنبش
آزادیخواهانه مردم
برای سرنگونی
حکومت اسلامی

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۹ تیر ۱۳۹۸،
۱۰ ژوئن ۲۰۱۹

مرگ بر جمهوری اسلامی!

بنیانگذاران حکومت اسلامی باید محاکمه شوند!

گزارشی از اعتراض به سخنرانی عبدالکریم سروش در دانشگاه تورنتو

بنیانگذاران حکومت اسلامی باید محاکمه شوند!

گزارشی از اعتراض به سخنرانی عبدالکریم سروش در دانشگاه تورنتو

پنجشنبه ۱۳ تیر امسال یکی از روزهای بیادماندنی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی است.

در این روز، سر و کله عبدالکریم سروش مجددا در تورنتو پیدا شد. این بار در دانشگاه تورنتو. عنوان سخنرانی؟ "خیام که خیمه های حکمت میدوخت"! او قبلا هم در آلمان و ونکور و همچنین تورنتو سخنرانی گذاشته بود. موضوع سخنرانی قبلی او در تورنتو - این همکار هیولای نفرت اسلامی - در باره "طریقت عشق" بود!

سخنرانی برای سروش توسط بنیادی به نام "بنیاد سهروردی" که توسط پسرش اداره میشود و دار و دسته های اصلاح طلب حکومتی در خارج سازمان داده میشود.

اما هر بار، حضور سروش در خارج کشور با اعتراض قدرتمند ما کمونیستها و آزادیخواهان مواجه شده است و او مجبور شده است دمش را روی کولش بگذارد و برای دور بعد فکری به حال خودش بکند.

اعتراض قدرتمند ما در آلمان را حتما در رسانه ها دیده اید که بعد از سخنرانی های افشاگرانه اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری، حتی جرئت نکرد جلسه اش را ادامه دهد. در ونکور به خاطر تلاش ما کمونیستها و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب ناگزیر شد از خیرش بگذرد و اصلا آفتابی نشد.

در تورنتو، این سومین بار است که او جلسه میگذارد و هر بار در نتیجه اعتراض فعال ما کمونیستها سکه یک پول شده است.

این بار هم علیرغم تلاش مذبوحانه آقازاده های حکومت اسلامی در تورنتو، برای جلوگیری از حضور معترضین در جلسه سروش، ما کمونیستها هم در خارج از سالن و هم در داخل سالن به اعتراض قدرتمندی دست زدیم و اجازه ندادیم این همکار رسمی جنایت اسلامی در ایران با وراجی در باره "خیام" - که عملا تخطئه خیام با سفسطه اسلامی بود - حضور همدستان ۴۰ سال جنایت اسلامی در خارج را به یک امر طبیعی تبدیل کند.

سخنرانیها درخارج از سالن به انگلیسی، سخنرانیها در هنگام ورود به سالن و سخنرانی در داخل سالن آنچان روشن و قدرتمند بودند که دانشجویان حاضر در خارج از سالن و حضار داخل سالن که برای سخنرانی سروش آمده بودند را تحت تاثیر قرار داد و سمپاتیشان را جلب کرد آنچنان که سخنران حزب کمونیست کارگری در سالن با دست زدن تعداد زیادی از حضار مواجه شد.

جای سروش و همه همکاران و چاقوکشان فیزیکی و فرهنگی و ایدئولوژیک حکومت اسلامی در دادگاههای مردمی است.

هر کسی تاریخ جنایتکاران فاشیسم و خونتاهای نظامی دیکتاتور و آدمکش در آمریکای لاتین را دنبال کرده باشد میداند که همیشه انسانهای آرمانخواه، انسانهای کمونیست، انسانهای شریف هستند که اجازه نمیدهند همکاران جنایت علیه بشریت بعد از سرنگونی حکومتهایشان در هیچ کجای دنیا در امنیت بسر ببرند.

عبدالکریم سروش یکی از چماقداران فرهنگی - ایدئولوژیک حکومت اسلامی است که برای به شکست کشاندن انقلاب ۵۷، برای مقابله با توقعات و آرزوهای میلیونها کارگر، میلیونها زن و میلیونها مردم ایران که سلطنت را ساقط کردند تا زندگی در خور انسان داشته باشند، برای مسلط کردن این هیولای خونخوار اسلامی بر سرنوشت مردم ایران مستقیما نقش داشته است.

او توسط خمینی، در سال ۵۹ و بعد از پیروزی انقلاب ۵۷، همراه شش چماقدار فرهنگی دیگر به ریاست ستادی به نام "ستاد انقلاب فرهنگی" منصوب شد تا یورش به شوراهای کارگری، یورش به زنان، یورش به کردستان سرخ و ترکمن صحرا را تکمیل کند و نظم سرمایه داری را با تثبیت حکومت اسلامی نجات دهد. او در "ستاد (ضد) انقلاب فرهنگی" مسئول مستقیم شناسایی وپاکسازی هزاران دانشجو و استاد دانشگاه از عرصه دانشگاه است. تعداد زیادی از این استادان و دانشجویان در زندانهای جمهوری اسلامی جان باختند.

ما اجازه نخواهیم داد همدستان حکومت اسلامی، کسانی که در شکست انقلاب ۵۷ و مسلط کردن حکومت اسلامی بر زندگی مردم ایران، کسانی که در مسلط کردن احکام و شریعت اسلامی برجامعه، کسانی که در قتل عام فیزیکی و فرهنگی انسانهای آگاه و شریف آن جامعه فعالانه نقش ایفا کرده اند، با فیگور "نواندیش اسلامی"، با فیگور "فیلسوف" و غیره در دنیا بچرخند و به کارگران و زنان و مردان و دانشجویان و استادان و دانش آموزان جانباخته، به مادران و پدران و دوستان و رفقای هزاران هزار انسان شریف که هنوز هم نمیدانند عزیزانشان در کجا خاک شده اند ریشخند بزنند.

حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات کانادا
۱۹ تیر ۱۳۹۸،
۱۰جولای ۲۰۱۹

از صفحه ۷

وضعیت فعالین ...

اتهام شد و به قرنطینه زندان قرچک ورامین منتقل شد. وی ساعتی بعد و پس از ثبت کارتکس در این زندان، به مکان نامعلومی منتقل شده است. گزارش شده مامورین به او گفته‌اند زمانی که صبا جهت اعتراف در مقابل دوربین نشست وی را آزاد خواهند کرد. به نظر می‌رسد بازداشت وی با هدف تحت فشار قرار دادن فرزندش جهت انجام اعترافات اجباری ویدیویی صورت گرفته است.

فاطمه محمدی، زندانی سیاسی سابق که روز گذشته توسط نیروی انتظامی بازداشت شده بود موقتا با قرار آزاد شد. بازداشت فاطمه محمدی در پی بروز درگیری با زنی که به بهانه امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با موضوع حجاب برای وی و چند شهروند دیگر ایجاد مزاحمت کرده بود صورت گرفت. فاطمه محمدی پس از اینکه توسط مدعی نهی از منکر مورد ضرب و شتم قرار گرفت برای شکایت به کلانتری مراجعه کرد اما در آنجا بازداشت شد. وی پس از آزادی موقت جهت مستند کردن ضرب و شتم توسط این مدعی نهی از منکر، به پزشکی قانونی مراجعه کرد.

یاسمن آریانی، مژگان کشاورز و منیره عربشاهی از فعالین عرصه نه به حجاب اجباری، به جرم تبلیغ علیه حجاب اجباری همچنان در زندان قرچک ورامین بسر میبرند.

واکنش سازمان عفو بین الملل (امنستی):

اخیرا سازمان عفو بین الملل همچنین طی نامه ای به دادستان کل تهران در خصوص بازداشت شدگان روز کارگر نوشت: "از شما می خواهیم بلافاصله و بدون قید و شرط آنیشا اسداللهی، عاطفه رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری را آزاد کرده و همه اتهامات علیه آنها را لغو کنید".

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار فراخوانی خواستار حمایت همگانی از سه نویسنده نشریه گام امیرحسین محمدی فرد، ساناز الهیاری و امیر امیرقلی شد.

عفو بین الملل فراخوانی جهت اقدام فوری برای آزادی مدافعان حقوق زنان یاسمن آریانی، مژگان کشاورز و منیره عربشاهی با عبارت "اعتراض به قانون حجاب اجباری حق زنان است" منتشر کرده است.

۲۱ تیر ۹۸
۱۲ ژوئیه ۲۰۱۹

فراخوان مربوط به روز حجاب و عفاف در تقویم جمهوری اسلامی، ضجه و فریاد حکومت از بی حجابی است

حکومت جمهوری اسلامی در تقویم زن ستیز خود، روز ۲۱ تیر را روز حجاب و عفاف نامگذاری کرده و هر ساله در این تاریخ با صرف هزینه های نجومی، اقدامات سازماندهی شده ای در جهت تبلیغ حجاب و عفاف و حفظ ارزشهای ارتجاعی اسلامی و حمایت از ارگانهای سرکوبگر زیربط همچون گشت ارشاد و نیز از آمرین به معروف و ناهیان از منکر میکند. این روز در سالهای اخیر به یک هفته افزایش یافته و حکومت یک هفته را به تبلیغ زن ستیزی و ابزار آن که حجاب هست می پردازند.

اما نه تنها این تقویم و طرح ها و اجرای آن نتوانسته زنان در ایران را تسلیم به پذیرفتن حجاب این سند بردگی زن کند، بلکه هر ساله در مقابل آن، شاهد اقدامات مختلفی از طرف زنان بوده ایم؛ پیاده روی بدون حجاب از میان جمعهای تبلیغ کننده حجاب، و برداشتن عامدانه حجاب در بین آنها از جمله تحرکات اعتراضی زنان در سالهای گذشته بوده است.

امسال و با توجه به گسترش بستر نارضایتی عمومی از فلاکت اقتصادی و بحران سیاسی و اجتماعی عمیقتر و موج بی حجابی زنان گسترده تر شده، نگرانی حکومت از پیشروی جنبشهای اعتراضی و از سرگیری اعتراضات سراسری علیه وضع موجود افزایش یافته. اعتراضاتی که می تواند با گسترده شدن تجمعات مردم بخصوص جوانان علیه خشونتهای ماموران و محافظان نظام که با زنان میشود، در اماکن عمومی جرقه زده و از سر گرفته شود.

امسال در یک حرکت کاملا سازماندهی شده و با صرف هزینه ای زیاد، قرار است یک گروه به نام "گروه آمرین به معروف صراط" که خود را یک گروه مردمی و دختران انقلاب معرفی کرده، بیستم تیرماه در ورزشگاه شیرودی تهران و ۲۷ تیرماه در حسینیه رضوی اصفهان، از فرمان خمینی به اجباری شدن حجاب دفاع کنند.

انقلاب زنانه همچون هر سال این طرح ها و برنامه های جمهوری اسلامی را نشان ضعف و استیصال این حکومت در برابر موج بیحجابی، در برابر پیشروی جنبش برای رهایی زن و انقلاب زنانه جاری در ایران میداند. از آنجاییکه این حکومت در امر حفظ حجاب و اسلامیزه کردن جامعه ایران، یک حکومت کاملا شکست خورده است، این روز و هفته یک نمایش کاذب اقتدار در راستای حفظ ارزشهای اسلامی و ارتجاعی و زن ستیز در مقابل جنبش آزادیخواهی، برابری طلبی، مدرنیسم و سکولاریسم جاری در جامعه است. طرح های امسال حکومت که "مردمی" بودن و "دختران انقلاب" را به نام خود مصادره کرده اند، از قبل شکست خورده اند. چون مردم بخوبی میدانند چه کسی مردم است چه کسی نیروی حکومتی. هیچ نیروی حکومتی هم نمیتواند دختران خیابان انقلاب را به نام خود جا بزنند. این نمایشگاه زجه و فریاد این حکومت از بی حجابی است.

جمهوری اسلامی به هر راهی دست میزند و به هر ریسمانی چنگ میزند تا حجاب و نظامش را حفظ کند. روشهای قهرگرایانه و خشونت آمیز از جمله ضرب و شتم زنان بی حجاب، دستگیر و بازداشت کردن فعالین عرضه نه به حجاب اجباری، حمایت های سازماندهی شده از ارگانهای سرکوبگر، اعترافات تلویزیونی، وروشهای دیگر همچون کار فرهنگی مثل نمایشگاه و روز و هفته حجاب و عفاف. اما هیچکدام نتوانسته و نمی تواند زنان در ایران را برده و اسیر این حکومت کند.

زنان با مبارزات مستمر خود، با جسارت و شجاعت این حکومت را به عقب رانده اند، از خط قرمز حکومت که به گفته مقامات آن "حجاب" است رد شده اند، دختران خیابان انقلاب این خط قرمز را سر چوب کرده اند. بنابراین زنان و بخش پیشرو جامعه یک هدف قاطع دارند؛ آزادی زن و رهایی زن از شر حجاب و قوانین اسلامی که این امر قطعا از راه مبارزه علیه حجاب اجباری که مبارزه علیه جمهوری اسلامی در آن مستتر است امکان پذیر است. این هدف از بعد از فرمان خمینی به حجاب اجباری، و از همان تظاهرات باشکوه هشت مارس سال ۵۷ تا به الان، هدف ما هست و خواهد بود.

انقلاب زنانه جهت تضعیف هر چه بیشتر این حکومت ضدزن، و تسریع مسیر سرنگونی آن که شرط اول رهایی زنان در ایران است، همه زنان و انسانهای آزادیخواه را به یک مبارزه سیاسی، متشکل و متحزب علیه این حکومت ضدزن فرامیخواند.

پیش بسوی #اعتراضات_سراسری_ علیه_ حجاب_اجباری

انقلاب زنانه

۱۳ تیر ۹۸

چهارم ژوئیه ۲۰۱۹

از صفحه ۸

پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام

توان پیش بینی کرد که زندانبانان جمهوری اسلامی برای به جیب زدن پولهای ناشی از فروش اعضای پیوندی، حتی اعضای بدن آنها را علیرغم میل خودشان از بدن خارج کنند و در بازار به فروش برسانند.

بنا به همه این دلایل کمیته بین المللی علیه اعدام پیوند اعضای بدن محکومین به اعدام را عملی ضد انسانی و نفرت انگیز می داند و خواهان جلوگیری از اجرای آن است. کل آئین نامه ۱۴۸ ماده ای اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس، شلاق و تبعید در مورد چگونگی کشتن انسانها، قطع عضو و به صلیب کشاندن آنهاست و باید بدور انداخته شود. رژیمی که در همین آئین نامه اصرار دارد کسی که به اعدام و قطع عضو محکوم شده است حتما باید قبل از اعدام، قطع عضو عملی شود، وحشی تر از ان است که با پیوند عضو بخواهد در صدد نجات جان دیگری بر آید. جنایت و بی عدالتی وجه مشخصه قوه قضائیه جمهوری اسلامی و کل حکومت اسلامی است. کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان برچیده شدن قوانین قرون وسطایی قصاص و جمع شدن بساط اعدام و لغو احکام اعدام همه محکومین به اعدام است. ما همگان را بر ای به اجرا در آوردن این خواستها برای مقابله با مجازات اعدام و تصمیمات اخیر قوه قضاییه و جمهوری اسلامی فرا می خوانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۶ تیر ۱۳۹۸،

۷ ژوییه ۲۰۱۹

در حمایت از کمپین "آزادی بازداشتی های هفت تپه"

اسماعیل بخشی ها و سپیده قلیان ها، در قلب همه مردم اند

از همان روز دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان موجی از اعتراض در ایران و در خارج کشور علیه دستگیری آنها و سایر دستگیر شدگان مرتبط با هفت تپه به راه افتاد و اکنون نیز کارزار مهم دیگری برای آزادی دستگیرشدگان هفت تپه و زندانیان سیاسی شروع شده است که باید با تمام قوا آنرا تقویت کرد. اعتراضات کارگران نیشکر هفته و همینطور کارگران فولاد اهواز بدون تردید یک نقطه عطف در تاریخ مبارزات طبقه کارگر در دوران حاضر است. اما آنچه این اعتراضات را از سایر تلاشهای تاکنونی طبقه کارگر مجزا میکند، نفس یک اعتراض بر حق و متحد و قدرتمند کارگری نیست. تاریخ طبقه کارگر مملو از چنین تلاشهایی است. این اعتراضات بدلیل ویژگی های خود، جایگاه مهمی در جامعه پیدا کرد و دستاوردهایی مهم و تاریخی از خود بجا گذاشت. برگزاری هر روزه مجمع عمومی، کشاندن اعتصاب و اعتراض به خیابانهای شهر، حضور فعال خانواده های کارگری و به میدان آوردن مردم شهر، حضور زنان در خط مقدم این اعتراضات، مقابله با دستگیری ها و انواع توطئه های حکومتیان و متحد نگهداشتن هزاران کارگر، شعارهای رادیکال و تعرضی، جلو آمدن صفی از رهبران کارگری با سخنرانی های عمیق و پرشوری که حرف دل همه مردم بود، طرح اداره شورایی کارخانه، استفاده موثر از مدیای اجتماعی و خبررسانی به کل جامعه، تصویری تازه از جنبش کارگری به کل مردم داد و رهبران کارگری در این اعتراضات را به رهبران محبوب جامعه تبدیل کرد. چشمها به طرف اعتراضات طبقه کارگر و نقش طبقه کارگر در تحولات سرنوشت ساز پیش روی جامعه دوخته شد. امیدها به این اعتراضات و نقش رهبران آن گره خورد و اسماعیل بخشی ها به سمبل این اعتراض تبدیل شدند.

اعتصابات طولانی مدت در این دو مرکز بزرگ کارگری موقتا به پایان رسید اما علیرغم آنکه به تمامی اهداف مورد نظر خود نرسید، دستاوردهای بسیاری برای طبقه کارگر و کل مردم آزادیخواه از خود بجا گذاشت. اکنون چند ماه از دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و همچنین برخی از اعضای هیات تحریریه نشریه گام، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی و امیر حسین محمدی، میگذرد. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را بارها شکنجه کردند. آنها را به اتهام "اخلال در نظم عمومی"، "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی"، "مشارکت در تشکیل گروه با هدف بر هم زدن امنیت"، "نشر اکاذیب، فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقامات"، "همکاری با گروههای معاند و اخلال در نظم عمومی" زندانی کرده اند. قرارداد کاری و ممر در آمد اسماعیل بخشی را قطع کرده اند. اما رژیم اسلامی دیگر در دوران قدر قدرتی خود نیست. نه "مستند" سازی شان دردی از دردشان دوا میکند ونه این اتهامات باعث ارعاب جامعه و دستگیرشدگان میشود. بر عکس، اکنون اعتراض برای آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان این اعتراضات و همچنین کسانی که به قید وثیقه آزاد شده اند، علی نجاتی و عسل محمدی، روز به روز ابعاد گسترده تری بخود میگیرد.

در همین راستا اخیرا کمپینی تحت عنوان برای "آزادی بازداشتی های هفت تپه و زندانیان ترقی خواه" اعلام شده است که بیش از هزار تن آن را امضا کرده و اسامی تعدادی از فعالین سرشناس کارگری نیز در میان آنها دیده میشود. در بیانیه این کمپین آمده است:

"ما امضا کنندگان زیر ضمن حمایت از کمپین آزادی بازداشتی های هفت تپه و زندانیان ترقی خواه اعلام میداریم که بازداشت و پرونده سازی برای کارگران و فعالین کارگری مرتبط با اعتراضات سال گذشته مجتمع نیشکر هفت تپه را محکوم میکنیم... ما ادامه بازداشت کارگران و فعالین کارگری مذکور و صدور حکم سه ماه زندان برای عثمان اسماعیلی را ناعادلانه میدانیم و بر این باوریم اعتراض و اعتصاب برای دفاع از منافع و سیاست از حقوق اجتماعی طبقه کارگر در قالب سازمانهای مستقل مختلف از سندیکا و اتحادیه و حزب و ... نه تنها جرم نیست بلکه از حقوق اولیه اجتماعی ماست و باید برسمیت شناخته شود." "ما خواهان مختومه شدن تمامی پرونده های تشکیل شده برای کارگران، فعالین کارگری و افرادی که به اتهام سیاسی در مراجع قضایی کشور بدلیل فعالیت های کارگری و انسانی بازداشت هستند، هستیم و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان در بند می باشیم."

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از این کمپین تمامی مدافعین آزادی و برابری و حقوق کارگری را به حمایت گسترده تر از این کمپین فرا میخواند. حزب در سطح بین المللی فعالیت های مستمری را در این زمینه به پیش برده و همچنان به این فعالیت ها ادامه خواهد داد. آزادی تمامی فعالین دستگیر شدگان اعتراضات هفت تپه و تمامی کسانی که در تجمع اول ماه مه دستگیر شدند، جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و سایر کارگران و معلمان زندانی و مقابله با شلاق و شکنجه و رفتار شنیعی که با زندانیان میشود، یک گام مهم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در راه دستیابی به جامعه ای است که در آن اثری از زندانی سیاسی و جرم سیاسی نباشد. جامعه ای که در آن آزادی و برابری و رفاه سهم همگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ تیر ۱۳۹۸، ۸ ژوئیه ۲۰۱۹